Journal of Fiqh and Usul
Vol. 52, No. 1, Issue 120
Spring 2020
DOI: https://doi.org/10.22067/jfu.v52i1.57152

فقه و اصول
سال پنجاه و دوم، شماره ۱، شمارهٔ پیاپی ۱۲۰
بهار ۱۳۹۹، ص ۱۵۱-۱۳۷

بررسی فقهی تکالیف معذورین در حج*

علیرضا فلاحی اخلمد[۱]
دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
Email: afakhlamad@gmail.com
دکتر حسین احمری
دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
Email: ahmari.hosein@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و به هدف تحلیل برخی از مسائل فقهی معذورین حج شامل: وقوف اضطراری بانوان، قربانی کردن، انجام اعمال بعد از منا، بخشی از مناسک زنان در ایام عادت و مسائل اشخاص مریض و سالخورده، آرا و ادله فقها را در دو مقام یکی از جهت تفاوت بین نیابت تبرعی و نیابت استیجاری و دیگری از جهت عذر طاری و غیرعذر طاری مورد مداقه قرار داده‌ایم؛ به فتوای امام خمینی و جمعی دیگر از فقها، چنانچه فرد از ابتدا معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت گرفتن از او صحیح نیست؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی.

همچنین گرفتن نایب برای معذورین را دو مقام بررسی کرده‌ایم: نخست از جهت جواز عمل و صحت حجی که نایب انجام می‌دهد و دوم از جهت استحقاق اجرت و حق‌العمل نایب. اکثر فقها معتقدند اگرکسی حجی به نحو واجب مضیق بر ذمّه داشته باشد، نمی‌تواند نایب دیگری شود و اگر مرتکب چنین عملی شود، حج او باطل است؛ ولی در صورتی که از انجام حجّ خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد. فقهای معاصر بر خلاف فقهای گذشته، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و درباره عذر غیرطاری گفته‌اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی‌تواند نایب کسی در حج شود و اگر نیابت کند اکتفا به حج وی مشکل است و مجزی از منوب عنه نیست، ولی درباره عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست.

کلیدواژه‌ها: حج، معذورین حج، تکالیف معذورین در حج، نیابت تبرعی، نیابت استیجاری، عذرطاری، عذرغیرطاری.

---

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸.
۱ . نویسنده مسئول

Jurisprudential Study of the Excused Pilgrims' Duties in Hajj

Alireza Fallahi Akhlamad, Ph.D. Student of Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Hossein Ahmari, Ph.D. Associate Professor, Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Abstract

In this research, through a descriptive-analytical method, with the purpose of analyzing a number of jurisprudential issues concerning the excused pilgrims of Hajj including the women's emergency staying, scarification, performing the acts after Mina, a part of women's rituals during the menstrual cycle and the issues related to the sick and elderly pilgrims, the authors have scrutinized the Islamic jurists' opinions and proofs from two aspects: the difference between gratuitous and paid representation; and the ancillary and principal excuses. According to Imam Khomeini and some other jurists' fatwas, in case the pilgrim is not excused from the beginning and an excuse happens to him/her while performing the act, appointing an agent for him/her is not valid, either gratuitously or for reward. Likewise, appointing agents for the excused pilgrims has been studied from two perspectives: first, from the viewpoint of the permissibility of the act and the validity of the Hajj performed by the agent and second, from the viewpoint of the agent's entitlement to remuneration and commission. The majority of Islamic jurists believe that if an individual is bound to perform Hajj as a strict duty, he/she may not become another's agent, otherwise, his/her Hajj is invalid; but if he/she is unable to perform his/her own Hajj or his/her Hajj of Nazr or Istijari Hajj (Hajj by hire) is not limited to the same year, there is no difference of opinion among the Islamic jurists that the individual may not act on behalf of another. Unlike the past Islamic jurists, the contemporary jurists distinguish between ancillary and principal excuses and as afar as principal excuse is concerned, they maintain that: if an individual is excused from performing Hajj acts, he may not act on another's behalf; otherwise, it is difficult to be satisfied by his Hajj and it does not release the principal duty-bound, but there is no single opinion among them regarding the ancillary excuse.

Keywords: Hajj, the excused pilgrims of Hajj, duties of the excused pilgrims of Hajj, gratuitous agency, agency for reward, ancillary excuse, principal excuse.

مقدمه

حج یک عمل دینی است که قرآن کـریم در مـورد ابعـاد و مسـائل مختلـف آن سـخن گفتـه و در ایـن پژوهش در مورد معذورین حج از جمله وقوف اضطراری برای بانوان، قربانگاه، اعمـال بعـد از منـا و افـراد مریض، بیمار و کهنسال بحث می‌شود و وظایف معذورین از دیدگاه دیگران روایات و اقوال فقهـا و نظـرات مفسران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معذورین حج

معذورین حج چه کسانی هستند؟ از نظر احکام فقهی، وظیفه همه افراد مشخص شده و همه می‌توانند به راحتی به وظیفه خود عمل کنند و هیچ کس با اعمال ناقص یا باطل (به خواسـت خداونـد) از ایـن دیـار نخواهد رفت. به عنوان مثال به چند مورد از معذورین حج اشاره می‌شود:

وقوف اضطراری برای بانوان

بانوان و افراد ناتوان می‌توانند شب عید قربان، پس از آن که مقداری بعد از نصف شب در مشـعرالحرام ماندند، به منا بروند، و این همان وقوف اضـطراری مشـعرالحرام اسـت. البتـه غیـر از بـانوان، کسـانی کـه نمی‌توانند روز رمی کنند، اشکال ندارد رمی را در شب انجام دهند، و باید توجه داشـت کـه رمـی در شـب برای بانوان (بطور مطلق) اختصاص به رمی روز عید قربان دارد، ولی نسبت به روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجـه تنها بانوانی که نمی‌توانند در روز رمی کنند، رمی شبانه برای آنها جایز است ولی کسانی که بتواننـد در روز خودشان انجام دهند، نمی‌توانند شب رمی کنند. رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان (بانوان) در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

قربانگاه

یکی از اعمال روز عید و از جمله حساس‌ترین اعمال حج «قربانی» است. در سال‌های اخیر تمام افراد نمی‌توانند به قربانگاه بروند، چون بانوان را مطلقاً به قربانگاه راه نمی‌دهند، و بسیاری نیـز تـوان ایـن کـار را ندارند، بنابراین لازم است کسانی قربانی را از طرف آنها انجام دهند تا اعمال روز عید قربان به تأخیر نیفتـد و کسانی که از طرف سایرین به قربانگاه می‌روند به نکات ذیل توجه داشته باشند:

۱- حتماً از کسانی که بناست برایشان قربانی را انجام دهند، نیابت بگیرند و صِرف این که او هم بایـد قربانی کند و خوشحال می‌شود، کافی نیست.

۲- در انتخاب گوسفندان دقت کنید که دارای شرایط لازم باشد و مهمترین شرایط لاغر نبودن و ناقص

نبودن حیوان است.

۳- در ذبح حیوان نیّت و قصد نیابت و جهت قبله و گفتن «بسم اللّه ...» فراموش نشود.

۴- چون به فتوای برخی از فقها؛ از جمله امام خمینی ذبح با چاقوی استیل صحیح نیست، چاقویی که مورد استفاده قرار می‌گیرد آهن باشد.

۵- به فتوای امام خمینی ذابح حیوان باید مؤمن باشد، لذا این مسئله هم مورد توجه قرار گیرد.

اعمال مکه یا اعمال بعد از منا

اعمال بعد از منا تا آخر ذی الحجه وقت دارد. بنابراین کسانی که از انجام اعمال معذورند و در شلوغی نمی‌توانند اعمال را بجا آورند، صبر می‌کنند تا پس از گذشت چند روز خلوت شده و اعمال را بجا می‌آورند. ولی باید توجه داشت: تا وقتی که طواف حج و سعی را بجا نیاورده‌اند، بوی خوش همچنان حرام است و تا وقتی که طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورده باشد، زن و مرد به یکدیگر حرام هستند.

خانم‌هایی که در ایام عادت هستند

اگر عادت ماهیانه پیش از وقوف عرفات رخ دهد، چنانچه وقت باشد به گونه‌ای که زن پیش از وقوف یعنی پیش از روز نهم پاک شود، باید صبر کند و چون پاک می‌شود، باید طوافش را انجام دهد. امّا اگر عادت او به گونه‌ای است که پیش از وقوف عرفات پایان نمی‌یابد، حج او به حج مبدّل می‌شود و باید در همان حال به عرفات و مشعر و سپس به منا برود و تمام مناسک را به جای آورد و البته برای طواف حج باید صبر کند تا پاک شود. وقت طواف حج، تا آخر ذی‌الحجّه است. پس از آن که اعمال حج افراد را به پایان می‌برد، باید یک عمره مفرده به جای آورد. امّا چنانچه پس از آن برای طواف از منا باز می‌گردد، عادت ماهیانه پیش آید، چنانچه برایش ممکن است که پس از پاک شدن اعمال باقی مانده را انجام دهد، باید صبر کند و پس از پاکی، طوافش را انجام دهد؛ امّا اگر کاروان برای حرکت شتاب دارد و او نمی‌تواند در مکه بماند، باید برای طواف و نماز آن نایب گیرد و پس از آن که نایب از طواف و نماز فارغ می‌شود، خود زن در همان حال، سعی صفا و مروه را انجام دهد و دوباره برای طواف نساء و نماز آن نایب گیرد. پس از آن که نایب از طواف و نماز آن فارغ می‌شود، زن از احرام خارج می‌گردد و حجش به پایان می‌رسد.

بیماران و مجروحان

دیگر افرادی که ممکن است برای معذوریت طواف پیش آید وقوع حوادث و بیماری است که ممکن است به حدی باشد که فرد نتواند اعمال حج را انجام دهد.

همان طور که تشریح کردیم برای معذورین می‌شود موارد متعددی را تصورکرد؛ از جملـه، کسـانی کـه خدمات زائران را برعهده دارند؛ مانند مدیر و یا معاون کاروان که به خاطر همراهی زنان و معذورین در شب دهم ذیحجه برای رفتن به منا و رمی جمرة عقبه، نمی‌توانند وقوف اختیـاری مشـعرالحرام را درک نماینـد یـا کسانی که بیمار می‌شوند و در عسر و حرج قـرار می‌گیرنـد و ...، ایـن مسـئله از دو جهـت می‌توانـد مـورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا وظیفه معذورین انجام طواف مباشری است و لو با اطافه (طواف دادن) دیگری یا طواف نیابی نیز مجزی است؟ به عبارتی دیگـر، آیـا بـر آنها واجب است در صورت تمکن، به گونه تعیینی، که خود مستقیماً طواف را ـ و لو بـا اسـتفاده از ابـزاری چون ویلچر ـ انجام دهند؟ یا این که به سبیل تخییر می‌تواند کسی را نایب خود قرار دهد تا بـه نیابـت از او طواف بگزارد؟ برای پاسخ به این سؤال نظرات و ادله فقهای عظام را در دو مقام (نخست، از جهـت تفـاوت بین نیابت تبرعی و نیابت استیجاری و دوم، از جهت عذر قبلی و عذر طاری) پـی می‌گیـریم. قبـل از بیـان تفاوت نیابت تبرعی و استیجاری به تعریف نیابت و شرایط آن می‌پردازیم:

هر مکلف عاقل و بالغ پس از اینکه برای رفتن به حج، مستطیع شد، حج بر او مسـتقر می‌شـود. یعنـی باید مقدمات سفر حج را فراهم نماید. و کسانی که حج بر آنان واجب شده، ولی به حج نرفته‌اند و به سبب بیماری شدید یا پیری امیدی ندارند که خود، حج را به جا آورند، می‌توانند انجام مناسک حـج را از جانـب خود به نایبی واگذار کنند (خلخالی، ۲/ ۹). نایب گرفتن برای حج در قالب عقد اجـاره یـا جعالـه صـورت می‌گیرد (زحیلی، ۳/ ۴۱ ـ ۴۵). کسی که در حج نیابت می‌پذیرد، باید دارای شـرایطی باشـد کـه از جملـه آنها:

۱- واجب نبودن حج بر نایب ۲- آشنایی به افعال و احکام حج (هر چنـد بـا ارشـاد کسـی در هنگـام عمل)، ۳- معذور نبودن در ترک برخی از افعال حج (علامـه حلّـی، مختلـف الشـیعه، ٤/ ۳۱۲) بنـابراین، افرادی که حج واجب خود را بجا نیاورده‌اند و مستطیع هستند، نمی‌توانند نیابـت بپذیرنـد و کسـانی کـه از انجام دادن کامل اعمال حج، معذور باشند، و از ابتـدا می‌داننـد کـه بایـد وظیفـه معـذور را انجـام دهنـد، نمی‌توانند نیابت بپذیرند، مانند آن عده از خدمه کاروان که شب عید قربان با انجام دادن وقـوف اضـطراری مشعر، همراه با بانوان به منی می‌روند.

به فتوای امام خمینی و برخی از فقها، اگر از ابتدا هم معذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت او صحیح نیست، بنابراین بهتر است که مدیران، معاونان و خدمه کاروان‌ها نیابت نپذیرند، چون هر لحظه ممکن است به هنگام انجام اعمال مشکلی برای کاروان پیش آید که بناچار باید اعمال معـذور را انجام دهند، پس در صورتی که یکی از خدمه، نیابت پذیرفته باشد، بهتـر اسـت بـه اطـلاع مـدیر کـاروان

برساند، تا در هنگام اعمال و پذیرفتن کارهای اجرایی کاروان به مشکل برنخورد.

تفاوت نیابت تبرعی و نیابت استیجاری

در این بحث، نظر مشهور فقها این است که نیابت حج، استیجاری باشد یا تبرعی، اگر به وسیلهٔ شخص معذور انجام گیرد، جایز نبوده و مجزی از منوب عنه نمی‌باشد (یزدی، ۲/ ۳۲۳؛ آملی، ۱۲/ ۲۱۳؛ حکیم، ۱۱/ ۱۹؛ خوئی، معتمد العروة الوثقی، ۲/ ۳۸؛ امام خمینی، ۱/ ۳۳۵؛ تبریزی، صراط النجاة، ۴/ ۴۵؛ فاضل لنکرانی، ۲/ ۲۸). دلیل این نظریه، نیابت در اعمال عبادی خلاف اصل است، مگر آنکه دلیلی برای آن اقامه شود. در باب حج و عمره، دلیل خاصی برای نیابت در برخی از صوَر آن‌ها وجود دارد و بدین جهت حکم به جواز نیابت در آن صوَر گردیده و آن ادله انصراف دارند به نیابت شخصی که قادر به انجام حج و عمره باشد و شامل شخص معذور نمی‌شوند و دربارهٔ معذور، ناگزیر باید به اصل مراجعه کنیم و اصل در چنین مواردی عدم جواز است. خوئی در این باره می‌گوید:

«لِعَدمُ الدَلیْلَ علی جَوازِ استنابَة المَعذورَ وَ جَوازِ الِاكتفاءَ بِالناقِصِ بَعدَ فَرَضُ تمَكّنهَ مِن استَنابِة القادِرُ» (خوئی، معتمد العروة الوثقی، ۲/ ۳۷). بنابراین، اگر شخص ناقص حتی به صورت تبرعی، حج منوب عنه را انجام دهد، موجب فراغ ذمهٔ وی نمی‌گردد؛ زیرا آنچه که بر وی واجب بوده، عبارت است از حجی که تام و کامل باشد. مواردی هست که اگر منوب عنه واجباتی را در حج مباشری خود ترک می‌کرد، زیانی متوجه حج او نمی‌شد و حجش صحیح و مجزی بود، حال اگر نایب در انجام همان واجبات، عذری داشت، شاید بتوان گفت که نیابت وی صحیح و مجزی از منوب عنه است؛ زیرا همانطور که خودِ منوب عنه اگر چنین مشکلی داشت و حج خود را انجام می‌داد، از وی مجزی و مقبول بود. نایب نیز که قائم مقام وی است، همان حکم را دارا است. مگر این که منوب عنه انجام آنها را به صورت مباشری وصیت کرده و یا در قرارداد استیجار شرط شده باشد، در این صورت اشکال در جای خود باقی است. همچنین در صورت انجام تبرعی، اگر متبرع قادری نباشد که منوب عنه را بریء الذمه نماید، جواز نیابت متبرع معذور ممکن خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۲/ ۱۱۵). ممکن است دلیل این تفصیل آن باشد که در صورت نبودن شخص قادر، امر دایر باشد بین این که حج متوفا اصلاً قضا نشود یا اینکه توسط عاجز و ناقص انجام شود؛ طبعاً دومی دارای ترجیح است (آملی، ۱۲/ ۱۲۰؛ حکیم، ۱/ ۸۹).

به نظر می‌آید ترجیح با گفتار مشهور فقها باشد؛ زیرا ادلهٔ جواز نیابت، انصراف دارد به نیابت شخصی که قادر به انجام حج باشد و شامل شخص معذور (اعم از تبرعی و استیجاری) نمی‌گردند و متبادر از نیابت برای منوب عنه، نیابت شخص قادری است که اعمال حج را با تمام اجزاء و شرایطش برای منوب عنه

بجا آورد. برخی از فقها گفته‌اند: همان طورکه خودِ منوب عنه اگر واجباتی را ترک می‌کرد مانعی نداشت، برای نایب نیز بلامانع است. لیکن برای این نظریه وجهی لحاظ نمی‌گردد؛ زیرا گرچه افعال و اعمال خود مکلف و نایب در حج یکی است، اما از جهت عامل، هر کدام حکم خود را دارند. ممکن است عذری برای خود مکلف معفوّ عنه باشد ولی برای نایب نباشد. به هر روی، نیابت خلاف اصل است، مگر آن‌که دلیلی برای آن پیدا شود. برای جواز نیابت معذور دلیلی وجود ندارد (عاملی،۷/ ۱۴۱؛ صاحب جواهر، ۷/ ۲۱۶ و ۳۹۳؛ محقق کرکی،۳/ ۱۱۷). همچنین گفته‌اند:

در صورت نبودن غیرمعذور، نیابت مبترع معذور جایز است، به نظر می‌رسد این نیز مورد نداشته باشد؛ زیرا شخص متبرّع تکلیفی نسبت به منوب عنه ندارد تا بگوییم که اگر غیر معذور پیدا نشد، بر معذور جایز باشد که حج منوب عنه را انجام دهد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی (حرّ عاملی، ۹/ ۲٤۷؛ شهید ثانی،۲/ ۹۸؛ صاحب جواهر، ۷/ ۱۹۸).

گرفتن نایب برای معذورین در دو مقام قابل بحث و بررسی است: **اول** از جهت جواز عمل و صحت حجی که نایب انجام می‌دهد. **دوم** از جهت استحقاق اجرت و حق‌العملی که نایب از منوب عنه و یا از وصی و یا وارث او می‌گیرد.

جواز عمل و صحت حج

در این مطلب، سه نظریه از فقهای عظام شیعه نقل شده است: اکثر قریب به اتفاق فقها معتقدند اگرکسی حج واجب مضیق (به همان سال) برذمّه داشته باشد، نمی‌تواند نایب دیگری شود و اگر مرتکب چنین عملی شود، حج او باطل است (محقق حلّی،۱/ ۱۶۸؛ علامه حلّی، مختلف الشیعه، ۴/ ۳۴۱؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام، ۲/ ۱۵۳؛ صاحب جواهر، ۱۷/ ۳۲۸ و ۳۶۳؛ عاملی،۷/ ۸۸؛ محقق کرکی،۳/ ۱۰۹).

دلیل آنان روایات متعددی است که در این باب وجود دارد؛ از جمله دو صحیحة زیر که از امام جعفر صادق نقل گردیده است:

الف: صحیحة سعید بن عبدالله اعرج: «عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْأَعْرَجِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللهِ عَنِ الصَّرُورَةِ، أَيَحُجُّ عَنِ الْمَيِّتِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرُورَةُ مَا يَحُجُّ بِهِ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَحُجَّ مِنْ مَالِهِ...» (حرّ عاملی، ۱۱/ ۱۷۲). این حدیث از جهت سند، صحیح و بلا اشکال است. از جهت دلالت، جملة «إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرُورَةُ مَا يَحُجُّ بِهِ» و همچنین جملة «فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَحُجَّ مِنْ مَالِهِ»

دلالت دارند بر این که هرگاه کسی حج واجب بر ذمه داشته باشد، نمی‌تواند نایب دیگری شود. بنابراین، او یک تکلیف بیشتر ندارد و آن انجام حج واجب خویش است. با این حال، اگر تخلف کند و نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد و حج او را انجام دهد، عملش باطل است (امام خمینی، ١/ ٣٣٢). و در این صورت، نه برای منوب عنه محسوب می‌شود و نه برای نایب؛ زیرا عمل او مشروعیتی نداشته و برای جواز و صحتش دلیلی وجود ندارد. **ب:** تعداد اندکی از فقها، به ویژه فقهای معاصر، حکم به صحت عملِ نایب داده‌اند (یزدی، ٢/ ٥٠۴؛ خوئی، موسوعة الإمام الخوئی، ٢٧/ ١١). آنان معتقدند این مسئله از صغریات باب تزاحم است که هریک از متزاحمین به تنهایی حکم جواز دارند، لیکن در یک نقطه تلاقی کرده و مزاحم همدیگر شده‌اند.

این اختلاف نظرها در جایی است که شخص توان مالی و جسمی و سایر شرایط رفتن به مکه را داشته باشد، اما اگر از انجام حجّ خود ناتوان باشد و یا حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد؛ مثلاً کسی که از قبل استطاعت مالی داشته ولی از نظر جسمی ناتوان و یا بیمار بوده و بدین جهت حج خویش را به انجام نرسانده، لیکن بعدها عافیت یافته و توان جسمی برای انجام حج را پیدا کرده، لیکن دیگر استطاعت مالی ندارد و بضاعت وی برای انجام حج ناچیز است و کفاف رفت و برگشت او را نمی‌کند. در این صورت می‌تواند نایب کس دیگر شود. همچنین کسی که شرایط حج وی کامل نشده، گرچه صروره (حج ناکرده) هم باشد، می‌تواند نایب کس دیگر قرار گیرد (محقق حلّی،١/ ١٦٩؛ فاضل آبی،١/ ٣٣٠). در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی.

تفاوت بین عذر طاری و عذر غیر طاری

عذر غیر طاری یا عذر قبلی، به موردی گفته می‌شود که نایب پیش از احرام می‌داند معذور است. عذر طاری و یا عذر حادث، عذری است که پیش از احرام وجود نداشته و بعد از آن که شخص محرم شد به وجود می‌آید. فقهای معاصر بر خلاف فقهای گذشته، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و غالب آنان به فتوا و یا به احتیاط واجب دربارۀ عذر غیرطاری فرموده‌اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی‌تواند نایب کسی در حج شود و اگر نیابت کند اکتفا به حج وی مشکل است و مجزی از منوب عنه نخواهد بود. اما دربارۀ عذر طاری، نظر واحدی بین آنان نیست و در مجموع، چندین گفتار از ایشان نقل شده که می‌توان همۀ آن‌ها را در چهار قول به شرح زیر بیان کرد:

۱- امام خمینی (محمودی، مسئله ۱۰۷ و ١٦٠) و برخی از فقها که حاشیه بر نظر معظم لـه ندارنـد، می‌فرمایند: شخص اگر در انجام بعضی از اعمال عذر داشته باشد (اعم از عذر طاری و عذر غیـر طـاری) نمی‌توان وی را اجیر کرد و اگر تبرعی نیز انجام دهد، اکتفا کردن به آن مشکل است (محمودی، مسئله ۱۰۷ و ١٦٠). دلیل این قول آن است که ادلۀ نیابت شامل معذور نیست و برای جواز نیابتِ معذور دلیـل دیگـری نیز وجود ندارد اما از اینکه دلیلی وجود دارد مبنی بر اینکه خود مکلف در اثنای عمل اگر با عـذری مواجـه شود، جایز است استنابه نماید، این دلیل مخصـوص خـود مکلـف اسـت و سـرایت آن بـه نایـب، دلیـل و بیّن‌های می‌خواهد که موجود نیست.

۲- خوئی، تبریزی، مکارم شیرازی و نوری همدانی بین عذر طاری و عـذر غیـر طـاری تفصـیل قائـل شده‌اند؛ به این معنا که در عذر طاری عمل نایب صحیح و مجزی از منوب عنه می‌باشد، ولی اگر عـذرش غیر طاری باشد، نیابتش صحیح نبوده و مجزی نخواهـد بـود (خـوئی، تبریـزی، مکـارم شـیرازی و نـوری همدانی). گلپایگانی نیز همین نظر را دارد با این تفاوت که در عذر غیر طـاری فرموده‌انـد بنـا بـر احتیـاط، نیابت معذور صحیح نیست.

به هر روی، دلیل این قول آن است که مقتضای قاعدۀ اولی، لزوم استنابه در عمل تام است و فرض هـم بر این است که منوب عنه قادر است نایبی را برگزیند که عمل تام را انجام دهد، بدین جهت نوبت به استنابه در عمل ناقص نمی‌رسد. اما در عذر طاری، که در اثنای عمل حـادث می‌گـردد، عمـوم ادلـۀ نیابـت بـرای معذور در اثنای عمل، شامل آن می‌گردد؛ یعنی اگر خودِ شخص در اثنـای عمـل، معـذور از انجـام برخـی اعمال می‌شد، ادله‌ای دلالت دارند که در این مورد استنابه جایز است. همان ادله، شامل عذر حادث نایـب نیز می‌گردد. علاوه بر آن، حدوث عذر در اثنای عمل، با تمام اقسـام و گونـه‌های مخـتلفش، امـر متعـارفی است و بدین جهت، مندرج در عموم ادله نیابت و استنابه می‌باشد (بحرانی، ٢/ ٢٦). شیخ جواد تبریزی نیز به همین دو دلیل اشاره کرده، فرموده‌اند: «نعم لو طرء الاضطرار علی النائب أثناء العمل فی الحـج لا یبعـد الالتزام بالاکتفاء به، لان ما ورد فیمن طرء علیه الاضطرار أثنائه یعم النائـب عـن الغیـر فـی حجـة، مـع ان طریانه أمر عادی فی الحج و عدم التعرض لبقاء العمل علی عهدة المنوب عنه مقتضاه الإجـزاء» (تبریـزی، صراط النجاة، ۱/ ۲۱۹).

۳- سیستانی از دو جهت قائل به تفصیل شده‌اند؛ یکی از جهت «طـاری و غیـر طـاری» و دیگـری از جهت «اختیار و عدم اختیار در ترک عمل»؛ بدین جهت فرمودند: اگر عـذرش غیـر طـاری باشـد، بنـا بـر احتیاط واجب نمی‌تواند اجیر شود و حتی اگر به صورت تبرعی هم انجام دهد، اجزاء از منوب عنه اشـکال دارد. اما اگر عذر وی طاری است و عمل مورد نظر، عملی است که ترک اختیاری آن (ماننـد طـواف نسـاء،

بیتوته در منی، رمی جمره روز یازدهم و دوازدهم) مبطل نیست، نیابتش صحیح است و مجزی از منوب عنه می‌باشد. ولی اگر عمل مورد نظر، عملی است که ترک اختیاری آن مبطل حج است (مانند احرام، وقوف در عرفات و وقوف در مشعر)، معذوریت در آن موجب بطلان عمل و عدم اجزاء از منوب عنه خواهد بود (مسئله ۱۱۳). شاهرودی نیز شبیه همین تفصیل را بیان نموده، فرمودند: «يُمكنُ انّ يقالُ بالتفصيلِ بينّ الأعذار: بأن يقال بِجواز استنابة المعذور فی ترک بعض الأعمال ان کان المعذور فيه مما تقبل النيابة، و بعدم جواز استنابته ان لم يكن قابلا لها» (۲/ ۳۵).

به هر روی، دلیل تفصیل اول این گفتار، همان دو دلیلی است که در قول دوم بیان شد. اما دلیل تفصیل دوم این است که برخی از اعمال حج، نیابت پذیر نیست، حتی اگر برای خود مکلف هم واقع شود، نمی‌تواند استنابه کند و لاجرم حج وی باطل می‌شود؛ مثلاً اگر معذور از محرم شدن باشد و یا نتواند وقوفین (حتی اضطراری) را درک کند، حجش باطل است و نایب نیز که قائم مقام منوب عنه است، بی‌تردید همین حکم را خواهد داشت.

٤- به نظر آیت الله خامنه‌ای؛ اگر عذر طاری منجر به نقص بعضی از اعمال حج نشود؛ مثلاً در ارتکاب بعضی از تروک معذور باشد، در چنین صورتی اشکالی در نیابت نایب به وجود نمی‌آید، لیکن اگر عذر وی منجر به نقص در اعمال شود، بطلان اجاره بعید نیست و احوط، مصالحه بین نایب و منوب عنه در اجرت و اعادۀ حج برای منوب عنه است (مناسک حج).

آیت الله بهجت نیز فرموده‌اند: بنا بر احتیاط، با تمکن از استیجار غیر معذور، نمی‌توان معذور را اجاره کرد، بلکه اگر شخص معذور تبرعاً نیابت از منوب عنه نماید، اکتفا کردن به عمل وی مشکل است. اما اگر در اجتناب از برخی محرمات (مانند ترک تظلیل) مضطر باشد، اجیر گرفتن و یا نایب گرفتن چنین شخصی اشکالی ندارد (مناسک حج و عمره، مسئله ۱۱۰). این قول، در واقع به قول اول بر می‌گردد که نیابت معذور، حتی معذوری که در اثنای عمل مبتلا به عذر شده باشد، باطل است و مجزی از منوب عنه نخواهد بود. تنها تفاوت این گفتار با گفتار اول، در معذوریت نایب از ترک برخی از محرمات است. دلیل این گفتار همان دلیل قول اول است که بیان شد و دلیل عدم بطلان حج نایب با ارتکاب برخی از محرمات را از ادلۀ دیگر می‌توان شمرد. به نظر می‌رسد تمام اقوال و نظرات فقها، به دو مطلب و گفتار بر می‌گردد؛ «صحت استنابه و اجزاء از منوب عنه» یا «بطلان نیابت و عدم اجزاء از منوب عنه». هیچ یک از قائلین این دو گفتار، دلیل خاصی برای نظریۀ خود ندارند و هر دوی آن‌ها اکتفا به عمومات نیابت کرده‌اند؛ منتهی یکی می‌گوید: این عمومات اطلاق دارد و معذور در اثنای عمل را شامل می‌شود و دیگری چنین اطلاقی را نفی می‌کند، لیکن حق این است که عمومات مجوز نیابت، شامل عذر طاری و حادث می‌گردد زیرا:

اولاً، در هنگام اجاره و یا هنگام احرام نایب (در نیابت تبرعی)، عذری وجـود نداشـته کـه اجـاره و یـا احرام بر باطل منعقد شده باشد و بدین جهت نایب، واجد شرایط نیابت بوده اسـت. **ثانیـاً**، عـذر در حـین عمل، مسئله‌ای است عام‌البلوی و ممکن است برای هر حج‌گزاری (اعم از خود مکلف و نایب) پیش آید و شرع مقدس اسلام برای چنین موردی، حکم خاص دارد که توسـط ائمـه بیـان شـده و آن عبـارت اسـت از استنابه در همان عملی که حجگزار، معذور از انجام آن است. از این جهـت، تفـاوتی بـین خـود مکلـف و نایب نیست و ادلة موجود خصوصیتی از این جهت ندارد که شامل بعضی باشد و بعضی دیگر نباشد. مگر در اعمالی که نیابت پذیر نباشند؛ مانند احرام و وقوفین و مانند آنها که در این صورت نیز تفاوتی بـین خـود مکلف و نایب نیست و در هر دو صورت، حج باطل و مجزی نمی‌باشد. **ثالثاً** اگر نایب در انجـام حـج بـا عذری مواجه شود که نتواند برخی از اعمال را انجام دهد و حکم به بطلان نیابت وی گردد، موجب عسر و حرج برای طرفین به وجود می‌آید.

وجوب طواف مباشری بر معذورین

از نصوص معتبر و فتوای فقها، از قدما تا متأخرین و تا معاصـرین، بـه خـوبی می‌تـوان ایـن مطلـب را برگرفت که وظیفه اوّلی معذورین در صورت تمکن، طواف مباشری اسـت و لـو بـا اسـتعانت از دیگـران، و هرگز طواف نیابی برای آن‌ها مجزی نیست. اقوال فقها:

عدم کفایت طواف نیابی و ضرورت و لزوم طواف مباشری است برای معذورینی کـه تمکـن از طـواف مباشری دارند، و لو با اطافه دیگری، و این مورد وفاق فقها است، به طوری که پس از تتبّع گسترده، مخالفی در مسئله یافت نشد. اکنون به برخی از عبارات و متون قدما و غیر آنها می‌پردازیم:

شیخ الطائفه، طوسی در نهایه: «وَالمریض الَّذی یستِمسک الطَّهارة فإنّه یطاف بِهِ وَ لا یطـاف عَنـه و إن کانَ مَرَضه مِمّا لا یمکنه مَعه استِمساک الطهارَة ینتظَر به، فإنَ صلح طاف هوَ بِنَفسه و إنَ لَم یصلح طَیفَ عنَه و یصلّی هَو الرکعتَین و قَد اجزأهٔ» (۲۳۹). همو در مبسوط: «و المریض علی ضربین؛ أحدهما یقـدر علـی امساک طهارته، و الآخر لایقدر علیه، فالأوّل یطاف بـه و لایطـاف عنـه و الثـانی ینتظـر بـه زوال المـرض» (سبحانی، المبسوط فی‌أُصول الفقه، ۳/ ۵۱۳.؛ آخوند خراسانی،۱/ ۳۵۸). دو عبارت یاد شده، با صـراحت کامل، حاکی از این حقیقت است که از نگاه شیخ طوسـی، بـا تمکـن معـذور از طـواف مباشـری و لـو بـا استعانت از دیگری، طوافِ نیابی کافی نیست و واجب است خودش طواف را انجام دهد.

۱- محقق حلی در شرایع: «و کذا لو مرض فی اثناء طوافه و لو استمر مرضه بحیث لایمکن أن یطـاف به، طیف عنه».

۲- ابن حمزه در وسیله: «و المریض ضربان؛ إمّا أمکنه امساک الطهارة، أولم یمکنه؛ فالأوّل طاف به ولیه و إن نوی لنفسه طوافاً و صحّ و الثانی انتظر ولیه به، یوماً أو یومین، فإن برأ طاف و إن لم یبرأ أمر من یطوف عنه و صلّی هو بنفسه» (ابن حمزه، ۳۵۹).

۳- ابن ادریس در سرائر: «و المریض الذی یستمسک الطهارة فإنّه یطاف به و لایطاف عنه و إن کان مرضه ممّا لایمکنه معه استمساک الطهارة، ینتظر به، فإن صلح طاف هو بنفسه و إن لم یصلح طیف عنه و یصلّی هو الرکعتین و قد أجزأه» (خوئی، موسوعة، ۳/ ۵۳۳).

فقیه جواهری نیز فتوای محقق را مبرهن ساخته و بدین سان با او موافقت نموده و به وجود مخالفی در مسئله اشاره نکرده است. حکم یاد شده، مورد توافق فقهای معاصر و مراجع تقلید نیز می‌باشد؛ همچنان که در مناسک امام راحل (مسئلة ۵۳۷) آمده است: «اگر شخص محرم به واسطة مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند و تا وقت تنگ شود قدرت حاصل نکند، اگر ممکن است، خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند، اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.» هیچ یک از فقهایی که حاشیه در مناسک دارند، بر عبارت مذکور حاشیه‌ای نیاورده و بدین‌سان با فتوای امام راحل موافقت کرده‌اند (حر عاملی، ۸/ ۲۵۵، باب ٤۰ از ابواب طواف، حدیث ٤). مستند فتوای مورد وفاق، که اشاره شد، روایات معتبری است که در این باره وارد شده مانند روایت صفوان بن یحیی که گفت:

«سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) عَنِ الرَّجُلِ الْمَرِیضِ یقْدَمُ مَکةَ فَلاَ یسْتَطِیعُ أَنْ یطُوفَ بِالْبَیتِ وَلاَ بَینَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، قَالَ: یطَافُ بِهِ مَحْمُولاً یخُطُّ الأرْضَ بِرِجْلَیهِ حَتَّی تَمَسَّ الأرْضُ قَدَمَیهِ فِی الطَّوَافِ، ثُمَّ یوقَفُ بِهِ فِی أَصْلِ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ إِذَا کانَ مُعْتَلاًّ» (حر عاملی، ۹/ ٤۵۵، باب ٤۷ از ابواب طواف، حدیث ۲). و نیز موثقة اسحاق بن عمار، به نقل از ابوالحسن (ع) در حدیثی که گوید از حضرت پرسیدم: «الْمَرِیضُ الْمَغْلُوبُ یطَافُ عَنْهُ؟ قَالَ: لاَ وَلَکنْ یطَافُ بِهِ» (همو، ۹/ ۳۲۲، باب ٦۳ از ابواب طواف، حدیث ۱).

در این دو روایتِ معتبر و اخبار معتبر دیگر، که در این باب وارد شده و در باب ٤۷ از ابواب طواف وسائل الشیعه گرد آمده، با صراحت کامل از وظیفة مریضی پرسیده شده که به تنهایی قادر به طواف نیست و امام (علیه السلام) در پاسخ، طواف نیابی را نفی کرده و وظیفه او را متعین در این نموده که طواف مباشری انجام دهد، منتهی چون خودِ او، به حسب فرض، متمکن نیست، دیگری باید او را طواف دهد. با در نظر داشتن آنچه آمد، به این نتیجه دست می‌یازیم که از منظر نصوص معتبر و فتاوای اصحاب، اعم از قدما و متأخرین و معاصرین، وظیفة اوّلی معذورانی که توان ندارند به تنهایی طواف مباشری انجام دهند،

باید با استعانت از دیگران، طواف را بالمباشره بجا آورند و هرگز طواف نیابی برای آن‌ها مجزی نیست. ولـی نکتة قابل توجه این است که بی‌شک فتوای اصحاب و نصوص معتبر مذکور، ناظر به صورتی است که اطافه و طواف دادن شخص معذور به وسیلة دیگری، در مداری باشد که عنوان «طواف الکعبه» بر آن صدق کند. اما در صورتی که از این مدار خارج باشد، بطوری که با قطع و یقین عنوان مذکور صدق نکند یـا مشـکوک باشد، طوافی نیابی، به صورت فتوا یا احتیاط واجب، بایسته است (راغب اصفهانی، ۲۸۷).

نتیجه‌گیری

همان طور که تشریح شد برای معذورین می‌شود موارد متعددی همچون کسانی که خـدمات زائـران را برعهده دارند یا کسانی که بیمار می‌شوند و یا کسانی که قربانی کردن بلـد نیسـتند و مـوارد دیگـر.... حـال تکلیف این افراد چیست؟ آیا می‌توانند برای انجام تکالیف حج نایـب بگیرنـد یـا خیـر؟ برخـی فقهـا بیـان کرده‌اند افرادی که حج واجب خود را بجا نیاورده‌اند و مستطیع هستند، نمی‌توانند نیابت بپذیرنـد و کسـانی که از انجام دادن کامل اعمال حج، معذور باشند، و از ابتدا می‌دانند که باید وظیفه معذور را انجـام دهنـد، نمی‌توانند نیابت بپذیرند. به فتوای حضرت امام خمینی و برخی از فقهای بزرگوار، اگر از ابتدا هـم معـذور نباشد و در هنگام عمل عذری برایش پیش آید، نیابت فرد صحیح نیست. اما برخی فقها بیان کرده‌اند که فرد می‌تواند از جانب خود نایب بگیرد. این اختلاف نظرها در جایی است که شخص تـوان مـالی و جسـمی و سایر شرایط رفتن به مکه را داشته باشد، اما اگر از انجام حـجّ خـود نـاتوان باشـد و یـا حـج نـذری و حـج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد. به طوری که اگر کسی از قبل استطاعت مالی داشته ولی از نظر جسـمی ناتوان و یا بیمار بوده و حج خویش را به انجام نرسانده، لیکن بعدها عافیت یافته و توان جسمی برای انجام حج را پیدا کرده، لیکن دیگر استطاعت مالی ندارد و بضاعت وی برای انجام حج ناچیز است و کفاف رفت و برگشت او را نمی‌کند. در این صورت می‌تواند نایب کس دیگر شود. همچنین کسی کـه شـرایط حـج وی کامل نشده، گرچه صروره (حج ناکرده) هم باشد، می‌تواند نایب کس دیگر قرار گیرد. در هر صورت، کسی که در انجام تمام اعمال و یا در برخی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت دیگری را بـر عهـده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه به نحو تبرعی. چرا که نظریه، نیابت در اعمال عبادی خلاف اصل است، مگر آنکه دلیلی برای آن اقامه شود. بنابراین، اگر شخص ناقص حتی به صورت تبرعی، حـج منـوب عنـه را انجام دهد، موجب فراغ ذمة وی نمی‌گردد. در هر صورت، کسی که در انجام تمـام اعمـال و یـا در برخـی اعمال حج ناتوان و معذور باشد نمی‌تواند نیابت منوب عنه را بر عهده گیرد؛ چه به نحو استیجاری و چه بـه

نحو تبرعی؛ و هرگاه کسی حج واجب بر ذمه داشته باشد، نمی‌تواند نایب دیگری شود و اگر تخلف کند و نیابت شخص دیگر را بر عهده بگیرد و حج او را انجام دهد، عملش باطل است. حال اگر شخص توان مالی و جسمی حج را داشته باشد و حج نذری و حج اجاره‌ای او مقید و مضیق به همان سال نباشد، در این صورت اختلافی بین فقها نیست که شخص می‌تواند نیابت کس دیگر را بر عهده بگیرد.

در حال حاضر فقها، بین عذر طاری و عذر غیر طاری تفاوت قائل شده و غالب آنان به فتوا و یا به احتیاط واجب دربارهٔ عذر غیرطاری فرموده‌اند: اگر کسی معذور از انجام اعمال حج باشد، نمی‌تواند نایب کسی در حج شود، اما دربارهٔ عذرطاری، نظر واحدی بین آنان نیست. تمام اقوال و نظرات فقها، به دو مطلب و گفتار بر می‌گردد؛ «صحت استنابه و اجزاء از منوب عنه» یا «بطلان نیابت و عدم اجزاء از منوب عنه». هیچ یک از قائلین این دو گفتار، دلیل خاصی برای نظریهٔ خود ندارند و هر دوی آن‌ها اکتفا به عمومات نیابت کرده‌اند.

منابع

آبی، حسن بن ابی طالب، ***کشف الرموز فی شرح مختصر النافع***، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ***کفایة الاصول***، ۱۴۱۳ ق.

آملی، محمد تقی، ***مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی***، تهران: مؤلف، ۱۳۸۰.

ابن حمزه، محمد بن علی، ***الوسیلة إلی نیل الفضیلة***، بی‌جا: ۱۴۰۴ ق.

ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم، ***الکافی فی الفقه***، در یک جلد، اصفهان: کتابخانهٔ عمومی امام امیر المؤمنین، ۱۴۰۳ ق.

بحرانی، محمد سند، ***سند العروة الوثقی ـ کتاب الحج***، ۴ جلد، بیروت: مؤسسة امّ القری للتحقیق والنشر، ۱۴۲۳ق.

بهجت، محمد تقی، ***مناسک حج و عمره***، قم: دفتر آیت الله بهجت، ۱۳۸۷.

تبریزی، جواد بن علی، ***التهذیب فی مناسک العمرة و الحج***، ۳ جلد، چاپ اول، ۱۳۸۱.

ــــــــــــــ، ***صراط النجاة***، ۷ جلد، بی‌جا: چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعه***، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.

حکیم، محسن، ***مستمسک العروة الوثقی***، قم: مؤسسة دار التفسیر، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

حلّی، حسن بن یوسف، ***قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

ــــــــــــــ، ***مختلف الشیعه فی احکام الشریعه***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

خامنه‌ای، علی، ***مناسک حج***، یک جلد، تهران: دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷.

خلخالی، رضا، ***معتمد العروة الوثقی***، محاضرات آیةاللّه خوئی، بی‌جا: ۱۴۰۵ ق.

خمینی، روح الله، ***تحریر الوسیله***، اعتماد الکاظمی، تهران: ششم، ۱۴۰۷ ق.

خوئی، ابو القاسم، ***معتمد العروة الوثقی***، قم: منشورات مدرسة دار العلم ـ لطفی، ۱۴۱۶ ق.

ـــــــــــــ، ***موسوعة الإمام الخوئی***، قم: مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ***المفردات فی غریب القرآن***، تهران: چاپ محمد سید کیلانی، ۱۳۲۲.

زحیلی، وهبه، ***الفقه الاسلامی و ادلّته***، دمشق: ۱۴۰۹ ق.

سبحانی، جعفر، ***الحج فی الشریعة الإسلامیة الغراء***، قم: مؤسسة امام صادق، ۱۴۲۴ ق.

ـــــــــــــ، ***المبسوط فی أُصول الفقه***، بی‌جا: ۱۴۱۰ ق.

سیستانی، علی، ***مناسک حج***، در یک جلد، قم: دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۳۰ ق.

شاهرودی، محمود، ***کتاب الحج***، قم: مؤسسة انصاریان، ۱۳۶۹.

شهید اول، محمد بن مکی، ***الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه***، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، ***مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام***، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، ***جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام***، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ق.

صافی گلپایگانی، لطف الله، ***فقه الحج***، قم: مؤسسة حضرت معصومه، ۱۴۲۳ ق.

طوسی، محمد بن حسن، ***المبسوط فی فقه الإمامیه***، تهران: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.

عاملی، محمد بن علی، ***مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام***، بیروت: مؤسسة آل البیت، ۱۴۱۹ ق.

فاضل لنکرانی، محمد، ***تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله ـ کتاب الحج*** ـ، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق.

کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، ***کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*** (ط ـ الحدیثه)، ۴ جلد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ ق.

محقق حلّی، جعفر بن حسن، ***شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام***، قم: مؤسسة اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

محقق کرکی، علی بن حسین، ***جامع المقاصد فی شرح القواعد***، قم: مؤسسة آل البیت، ۱۴۱۴ ق.

محمودی، محمدرضا، ***مناسک حج امام خمینی*** (محشّی)، در یک جلد، تهران: نشر مشعر، ویرایش‌جدید، ۱۳۸۰.

مکارم شیرازی، ناصر، ***مناسک جامع حج***، در یک جلد، قم: انتشارات مدرسة الإمام علی بن أبی طالب، ۱۴۲۶ ق.